

# اصلاح نظام انتخاباتی تعهد ملی

شکور



اند ولی متأسفانه در بستر عملی و اجرایی این تعهدات تاکنون اقدام های بسیار اندک و در مواردی جز ادعا چیزی فراتر از آن مشاهده نشده است. حال نیز انتظار جدی برده می شود که رهبران حکومت وحدت ملی بجای امید بخشیدن واهی و یا دادن وعده های خوب، سعی کنند که آن را در عمل و عرصه اجراءات بصورت عینی و ملموس نشان دهند. این مسئله سبب خواهد شد که زمینه اعتماد میان مردم و حکومت وحدت ملی تقویت یافته و هرگونه شائبه و بد گمانی نسبت به برنامه ها و وعده های رهبران و مسئولان حکومت وحدت ملی از بین برود.

بنابراین اینک همانطور که نهادهای مدنی و سیاسی در اعلام موضع و دیدگاه های شان درباره تحقق اصلاح نظام انتخاباتی ابراز داشته اند واقعیت آنست که حکومت در آوردن اصلاحات در حوزه نظام انتخاباتی کشور با بن بست هایی جدی مواجه شده است. خلای قانونی جایگاه کمیته گزینش، عناد ورزی مسئولان اعضای بلند پایه کمیسیون های انتخاباتی و اعلان تاریخ برگزاری انتخابات پارلمانی آینده با در مورد اصلاح نظام انتخاباتی، کوک شدن سازناسازگاری مجلس نمایندگان و... روند آوردن تغییر و اصلاحات در نظام و نهادهای انتخاباتی را با چالش های عمده روبرو ساخته است. از جانب دیگر، متأسفانه در حکومت نیز برای اصلاح نظام انتخاباتی و برگزاری انتخابات پارلمانی آینده با در نظر داشت محدودیت زمانی، عزم و اراده قاطع مشاهده نمی شود و... همه این موارد با توجه به وضعیت ناخوشایند سیاسی و اجتماعی و امنیتی کشور نگرانی ها را بیش از پیش شدت و گسترش بخشیده است. بنابراین برای رفع این نگرانی ها و چالش ها یک موضوع ملی و سنگ بنای حل بسیاری از چالش ها محسوب می گردد، انتظار برده می شود که همه نبردهای سیاسی و مدنی و بخصوص رهبران حکومت وحدت ملی به مسئله اصلاح نظام انتخاباتی بعنوان یک موضوع ملی نگریسته و در آن رابطه یک تعهد و مسئولیت ملی را بدوش دارند. آنان بایستی سعی ورزند که این مسئولیت و تعهد ملی را به شایستگی به انجام رسانند و در غلبه این صورت قضاوت تاریخ و مردم بسیار تلخ و ناخوشایند و عتاب آمیز خواهد بود.

به اولویت و اهمیت داشتن آن نبرده اند. حال آنکه روی کار آمدن حکومت وحدت ملی خود براساس توافقنامه سیاسی در پی بروز بحران انتخاباتی بوده و مسئله اصلاح نظام انتخاباتی یکی از تعهدات اساسی حکومت وحدت ملی و رهبران سیاسی حکومت شمرده شده است.

هر چند جزئیات چگونگی انجام اصلاحات انتخاباتی کار و مسئولیت کسانی است که در امر سیاسی و حقوقی آگاهی و تجربه دارند و حکومت باید از مسیر و بکار گیری چنین اعضا و آگاهانی بایستی مسئله اصلاح نظام انتخاباتی را پی گیرد، اما آنچه در اینجا می توان بر آن تاکید ورزید این است که بی توجهی رهبران حکومت وحدت ملی در آوردن اصلاحات انتخاباتی موجب وارد شدن انتقاد ها و ناراضی های گسترده را بدنبال خواهد داشت، مردم انتظار دارند که به جهت حساسیت وضعیت سیاسی جامعه و دوره خطیری که اکنون کشور در آن قرار گرفته است رهبران حکومت وحدت ملی هر چه فوری تر و سریعتر از آوردن اصلاحات تعهد خود به مردم تعهد خود را اعلام داشته

دست می گرفت. با توجه به فشار افکار عمومی و بلند شدن صدای اعتراض های مردمی و نهادهای سیاسی و مدنی در ارتباط با انجام اصلاحات نظام انتخاباتی و تعللی که در آن باره صورت گرفته است چندی پیش سخنگوی ریاست جمهوری، اظهار داشت که حکومت تلاش دارد که در مشوره با اقتضار و نهادهای مختلف، راهی حقوقی برای ادامه اصلاح نظام انتخاباتی کشور پیدا نماید. وی در ادامه افزوده است که حکومت در همین قسمت، فعالیت ها و صحبت ها را با تمام اقشار مختلف در داخل خود قرار می دادند. حکومت بایستی برای تحقق چنین امری علاوه بر انجام اصلاحات و قوانین و ساختار نظام انتخاباتی مقدمات و تمهیدات آن را در زمینه اجرایی شدن نیز روی دست می گرفت. یعنی در تأمین امنیت، سرشماری و توزیع تذکره های الکترونیک که از پیش شرط های عمده برگزاری انتخابات سالم و شفاف به شمار می روند اقدام های فوری و قاطعی را روی

## مقرره جدید؛ محدودیت های جدید برای رسانه ها

بعد از سقوط امارت اسلامی طالبان، ما شاهد رشد رسانه های تصویری، صوتی و چاپی می باشیم. رشد و فعالیت آزادانه رسانه ها یکی از دستاوردهای مهم دوره پسا طالبان محسوب می شود. در دوره مدبران رسانه ها نقش اساسی در نشر و گسترش اطلاعات و بالا بردن سطح آگاهی مردم دارد. در مطالعات توسعه و نوسازی میزان خواندن روزنامه، گوش دادن به رادیو و دیدن تلویزیون و رفتن به سینما از شاخص های توسعه یافتگی محسوب می شود. به دیگر سخن، در جامعه ای که مردم روزنامه می خوانند، تلویزیون می بینند، رادیو گوش می دهد و به سینما می رود، توسعه یافته است. میزان توسعه یافتگی به کمیته مخاطبان و کیفیت رسانه ها دارد.

تاریخ فعالیت رسانه ها به دوره حبیب الله خان بر می گردد. از دوره حبیب الله خان تا کنون ما شاهد فراز و نشیب در فعالیت رسانه ها و ایجاد محدودیت بر فعالیت رسانه ها از سوی حکومت بوده ایم. در بیشتر ادوار تاریخی، رسانه ها تریبون برای حکومت بوده است. به دیگر سخن، رسانه ها صدای رسای حکومت بوده است. تنها در دهه دموکراسی ما شاهد فعالیت آزادانه رسانه ها به گونه ای نسبی می باشیم. در دوره کمونیست ها، رسانه ها محدود شد و محدودیت های سیاسی سانسور می شد. حکومت اجازه بخش و نشر برنامه های اسلامی و لیبرالی به رسانه های نمی داد. در دوره مجاهدین فعالیت رسانه ها کم شد. در دوره طالبان، رسانه ها از فعالیت باز ماندند. زیرا، آن ها از مخالفین جدی رسانه ها بود. امارت اسلامی طالبان فعالیت رسانه ها را حرام می دانست. دوره پسا طالبان آغاز جدید برای فعالیت رسانه ها بود. در این دوره، محدودیت ها برداشته شد.

درآمد عمده رسانه های چاپی ناشی از تبلیغات و فروش آن است. این دو منبع اساسی و بنیادی برای رسانه های چاپی می باشد. غیر از دو مجرای مذکور هیچ مجرای دیگری وجود ندارد. درآمد ناشی از تبلیغات و فروش آن در پسا موارد نیازمندی مالی رسانه ها را تأمین نمی کند. به همین خاطر، ما در طول بیش از یک و نیم دهه شاهد باز و بسته شدن رسانه های زیادی چاپی بوده ایم. دلیل عمده بسته شدن رسانه های چاپی مشکلات مالی است. در یک و نیم دهه گذشته، فرهنگ روزنامه خوانی به آن پیمانانه رشد نکرده است که فروش روزنامه ها موجب برآوردن نیازمندی های مالی روزنامه ها، هفته ها و ماهنامه ها گردد. شاید فروش روزنامه ها از هزار شماره تنها به ۱۰۰ شماره برسد. باقی آن به صورت رایگان در نهاد های دولتی و خصوصی توزیع می گردد. بنابراین، درآمد رسانه های چاپی محدود به تبلیغات است. با این وجود، تبلیغات به آن پیمانانه نیست که بتواند تمام مصارف و مخارج رسانه های چاپی را درآورد. تبلیغات تنها مخارج چاپ رسانه ها را تأمین می کند. از این جهت، مقرره جدید محدودیت جدی بر فعالیت رسانه ها و به خصوص رسانه های چاپی ایجاد می کند.

ارائه تضمین بانکی و پرداخت حق الامتیاز جدا از اینکه موجب بسته شدن بسیاری از رسانه های چاپی می گردد باعث می شود که کسبی روزنامه و هفته تأسیس نکند. این مقرره هم فرصت تأسیس روزنامه جدید را از شهروندان عادی می گیرد. تنها سیاستمداران و تجاران قادر به تأسیس روزنامه خواهد بود. این مسئله یک نوع وابستگی تام و تمام به ایجاد می کند. نویسندگان را وابسته به جیب سیاستمداران، تجاران و سرمایه داران می سازد. زیرا، مقرره جدید فرصت تأسیس روزنامه مستقل را از بسیاری ها می گیرد. این مسئله پایان تلخ برای آزادی بیان در رسانه های چاپی است. زیرا، فرصت سخن گفتن را از بسیاری ها می گیرد.

در پایان باید گفت که مقرره جدید نه تنها کمکی به تنظیم فعالیت رسانه ها نمی کند بلکه موجب بستن بسیاری از رسانه ها می شود.

# انسان ها را بکشید، ولی میراث آن ها را نابود نکنید

رکسانا عظیمی / ترجمه: معصومه خطیبی بابگی / قسمت دوم و پایانی

تاریخی پالمیرا اعلام کرده اند، به همان اندازه درباره تاراج بیوسنته شهر باستانی اقامیا (Apamée) در لافاه سخن می گویند. به طور حتم، عملی کردن راه حل های مناسب از همه چیز دشوارتر است. درست قبل از قرارداد لاهه، در جریان جنگ جهانی دوم، واحدهای متخصص ارتش آمریکا، حامیان آثار تاریخی که کمی بیشتر از ۳۰۰ مرد و زن بودند، مأموریت خود را حفاظت از میراث های جهانی مورد تهدید و جستجوی شاهکارهای تاراج شده توسط رایش سوم در اروپا قرار دادند. امروزه محافظان و دانشگاهیان کمی به جبهه جنگ سوریه فرستاده می شوند، جایی که باستان شناسان محلی به سختی تلاش می کنند از میراث فرهنگی و تاریخی در معرض خطر است، محافظت کنند، افرادی مثل خالد الاسد (Khaled Al-Asaad)، مدیر سابق منطقه تاریخی پالمیرا که در تاریخ ۱۸ اوت ۲۰۱۵ توسط نیروهای داعش کشته شد. بنابراین انسان ها بر روی این یادگارهای باارزش است که هویت ملی خود را ساخته اند و نه صرفاً روی نمادین ترین آن ها. مارتین مکینسون (Martin Makinson)، باستان شناس می گوید: «انسان ها نمی توانند از آثار ملی خود چشم پوشند. سوریه دوباره ساخته نخواهد شد مگر به واسطه میراثی که همه در آن سهیم هستند. در غیر این صورت، این خطر وجود دارد که به دولت های کوچکی تجزیه شود.» تعداد سازمان های انسان دوستانه ای که در بندرت به اهداف خود می رسند، بسیار زیاد است. گیلیم رابیه (Guilhem Ravier)، مسئول واحد حفاظت از افراد غیرنظامی صلیب سرخ خاطر نشان می کند: «ما نگهداران حقوق بشر هستیم و موظفیم که از آن ها مراقبت کنیم. جسم خاکی انسان ها فانی است و نابودی میراث فرهنگی آن ها توازن جوامع را از بین می برد.» در دوره جنگ و آشوب، هنر هم خاصیت آسیب پذیری پیدا می کند. برتراند دورلنک در پایان به طور خلاصه می گوید: «جهان به خودی خود و بدون مردمش جای زندگی نیست.»



به این سؤال گفت: «چرا چوب قضایای طرح پناهندگان هیچ گونه ابهامی ندارد و قراردادهای بین المللی آن را تضمین کرده اند. شفاف سازی و توضیح بیشتر در این خصوص ضرورتی نداشت. ۹۷ درصد پناهجویان سوری که درخواست پناهندگی داده اند، حق پناهندگی را دریافت کرده اند. ولی باید گفت که در مقابل، برنامه های قانونی برای راهنمایی و پیشبرد این افراد یا وجود ندارد یا تعدادشان بسیار اندک است.» چنانچه طرح مربوط به آثار هنری و تاریخی به مدد پیشنهاد های فرانسوا اولاند اجرایی شود، این آثار از امتیاز بیشتری نسبت به افراد انسانی بهره می برند.

باستان شناسان و متخصصان آثار تاریخی نباید به طور کامل به احساسات کم و بیش پرشور مردم جهان در خصوص مناطق تاریخی تهدید شده اعتماد کنند. رسانه های عمومی به همان اندازه که از جراح شدید خود را از تعرض به منطقه

کشور فرانسه بیشتر از این که حامی حقوق بشر باشد، خود را مادر آثار هنری بداند و طبق توصیه رئیس موزه لور، به هنرمندان و متخصصان آثار هنری و تاریخی سوری و عراقی «گذرنامه نسو» بدهد تا فرد خارجی و خانواده اش به مدت ۴ سال حق اقامت در فرانسه را به دست آورند.

از آغاز جنگ سوریه، کشور فرانسه، مجوز ورود ۱۰ هزار پناهجوی سوری را به کشور خود داده است. این رقم در مقابل ۴ میلیون پناهنده سوری در جهان، مثل قطره است در مقابل دریا. بر اساس آمار و ارقام اداره حمایت از پناهندگان و افراد بدون ملیت، در سال ۲۰۱۵ پنج هزار و دویست درخواست پناهندگی مورد پذیرش قرار گرفته است. آیا نباید در گفتن «حق پناهندگی آثار هنری» اشاره ای هم به انسان های پناهنده می شد؟ ژان فرانسوا دوبس (Jean-François Dubost)، مسئول طرح افراد بدون ملیت سازمان عفو بین الملل در پاسخ

نابودی یا تخریب این اموال شود، جلوگیری کنند و از هرگونه عمل خشونت آمیز نسبت به این آثار معانعت به عمل آورند. در طول زمان به خصوص در اکتبر ۲۰۰۳ مجموعه ای از قراردادهای در خصوص نابودی میراث فرهنگی در سطح بین المللی به این منشور اضافه شد.

فرانسوا اولاند در هفتادمین اجلاس عمومی یونسکو در نوامبر ۲۰۱۱، با هدف اجرایی کردن مهم ترین بخش های این قرارداد، «حق پناهندگی آثار هنری» را مطرح کرد. این طرح را که ژان لوک مارتینز در خلال «پنجاه پیشنهاد برای محافظت از آثار تاریخی» ارائه داد، درخور تحسین است: تغییر کاربری موزه های فرانسه به پناهگاه هایی برای به امانت گرفتن اموال فرهنگی خارجی در معرض خطر. مطرح کردن این مسئله در اوج بحران مهاجران، بعضی از ناظران مسائل سیاسی را آشفته کرد. این افراد انتقاد خود را به این پیشنهاد این گونه اعلام کردند: خطر این است که

در بند ۴ این قرارداد بین المللی، هر یک از کشورهای عضو متعهد شدند که به اموال فرهنگی دیگر کشورها عضو قرارداد، درست به اندازه اموال فرهنگی سرزمین خود احترام بگذارند و در صورت بروز جنگ مسلحانه از هر گونه اقدام دستگاه های اجرایی یا برخورد های فوری که منجر به



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر و ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

